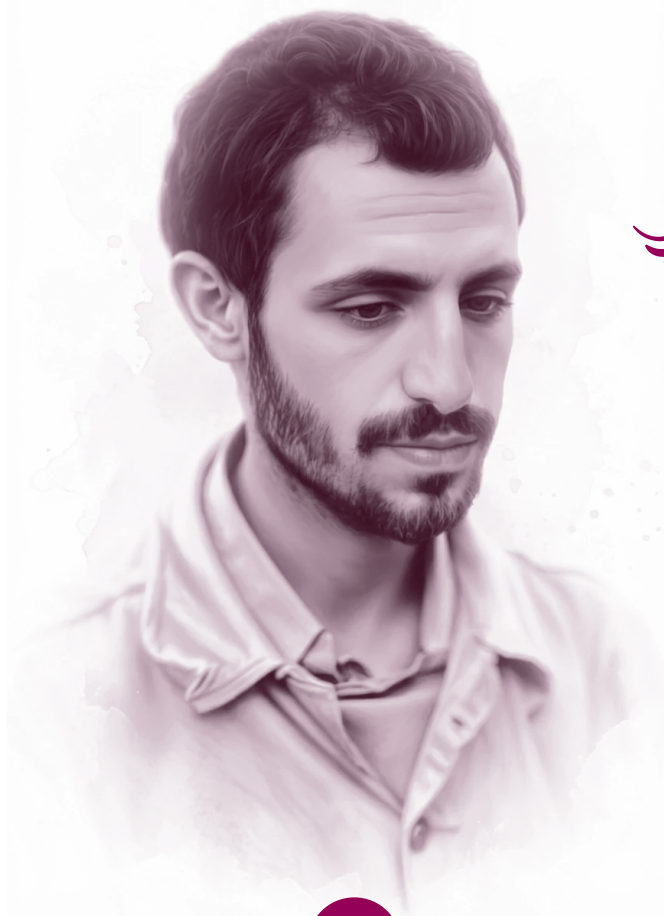




۱۹

بهترین پناه

شهید علی ماهانی

فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ
بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا

از کافران اطاعت مکن، و به وسیله قرآن
با آنان مبارزه و جهاد بزرگی بنما.

فرقان ﴿٥٢﴾



از طرف مدرسه رفته بودیم کرمان گردی. تا اون روز نمی دونستم شهرمون این قدر خونه تاریخی داره؛ خونه هایی که هزاران خاطره رو با خودشون حمل می کردن و اگه می تونستن لب به سخن واکنن، حرف های درس آموز زیادی واسه گفتن داشتن.

از بچگی وقتی قدم می داشتم توی اماکن تاریخی، با خودم می گفتم کاش می شد سفر کنم به روزی که اونجا رو ساختن یا روزی که آدم ها برای زندگی داخلش ساکن شدن؛ آرزویی که برخلاف محال بودن، خیلی شیرین بود. توی خونه یزدانی^۱ دهنم رو پرواز داده بودم به اون روزهای تاریخ که یهو دیدم بچه ها دور یه چیزی جمع شدن. تا بهشون نزدیک شدم، عباس هیجان زده دوید سمتم و گفت:

– قاسم. قاسم. بیا اینا رو ببین.

– چه خبره بچه ها اونجا جمع شدن؟

– یه جوون کرمونی داره با یه توریست خارجی بحث می کنه؛ یارو می گه من خدا و قرآنش رو قبول ندارم. دم جوون کرمونیه گرم! همه ش معجزه های علمی قرآن رو داره براش می گه.

– خارجکی می گه؟

۱. یک خانه تاریخی در کرمان که در دوران قاجار ساخته شده است.

– نه! توریسته فارسی بلده.

قاسم از اعجاز قرآن زیاد شنیده بود؛ اما دوست داشت ببیند نتیجه گفت و گو توریست و این جوون کرمانی به کجا ختم می‌شه؛ برای همین دوید و خودش رو توی جمعیت جا داد. جوون کرمانی داشت با شور و حرارت از اعجاز قرآن می‌گفت: – من تا حالا بیش از ده تا دلیل علمی گفتم که ثابت می‌کنه قرآن خیلی جلوتر از عقل بشره و معجزه‌ست. شما حتی یکی‌ش رو هم نتونستی رد کنی. حُب نمی‌شه بی‌دلیل بگی قبولش ندارم که. اصلاً یه سؤال، شما که می‌گی اخترشناسی خوندی، اولین بار کی کشف کرد که زمین به دور خورشید می‌چرخه؟ – حُب معلومه! گاليله.

– البته مطلب علمی وجود داره که می‌گه چند صد سال قبل از گاليله، ابوریحان بیرونی به این مسئله اشاره کرده؛^۱ اما به فرض که حرف تو درسته و گاليله اولین بار کشف کرده که زمین به دور خورشید می‌چرخه، حُب مرد حسابی! گاليله حوالی سال ۱۶۱۰ میلادی مدل آقای کوپرنیک رو ثابت کرد و گفت که زمین ساکن نیست و به دور خورشید می‌چرخه؛ تازه آدم‌های مدعی فهم و شعور اون موقع، چون دیدن این حرف گاليله برخلاف نظریهٔ «زمین مرکزی»^۲ هستش، توی کلیسا براش دادگاه تفتیش عقاید تشکیل دادن و کاری کردن که طفلک از ترس جونش مجبور شد از حرفش توبه کنه؛^۳ اما بعدها ثابت شد گاليله درست گفته؛ ولی مسئله اینجاست که قرآن هزار سال قبل از تشخیص کوپرنیک و گاليله توی سورهٔ نمل، آیهٔ ۸۸ به این مسئله اشاره کرده که زمین به دور خورشید می‌چرخه،^۴

۱. به نقل از استاد رحیم پور ازغدی: <https://kayhan.ir/000YC4>

۲. نظریهٔ «زمین‌گردی» می‌گوید زمین، ثابت است و ماه و خورشید و پنج سیاره شناخته‌شدهٔ آن روزگار، یعنی عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل در مدارهایی دایره‌ای به دور زمین می‌گردند. این نظریه به عنوان یک باور آسمانی به شمار می‌آمد و وقتی گاليله برخلاف آن مدعی شد که زمین به دور خورشید می‌گردد، در کلیسا برای او دادگاه تفتیش عقاید تشکیل داده و او برای حفظ جان خود مجبور شد از حرفش توبه کند؛ چراکه ممکن بود او را زنده‌زنده در آتش بسوزانند («ویکی‌پدیا»).

3. https://fa.wikipedia.org/wiki/گاليليو_گاليليو

۴. تفسیر نور، بخش نکته‌های آیهٔ ۸۸ سورهٔ نمل.

اونم توی زمانی که نه خبری از علم اخترشناسی بود، نه تجهیزات علمی. اگه این معجزه نیست، پس چیه؟

دلیل بعدی، خدا دو جا از قرآن^۱ دربارهٔ دو تا دریا که یکی شور و یکی شیرین و در اثر برخورد با هم مخلوط نمی‌شن، حرف زده. جالبه که بعد از هزار سال اقیانوس شناس‌ها تونستن کشف کنن چنین جایی هست. فقط برو حرف دانشمندا دربارهٔ دلایل علمی قاطی نشدن آب این دو تا اقیانوس مثل تفاوت چگالی و کشش سطحی و... رو بخون؛ بعد ببین زمان نزول قرآن اصلاً کسی بوده که تجهیزات و امکانات چنین کشفی براش فراهم باشه، اون وقت خودت متوجه می‌شی که قرآن حرف بشر نیست و از جانب خداست.

صدای کف و سوت بچه‌ها بلند شد. آقای مرادی خودش رو رسوند و گفت: - چه خبرتونه اینجا رو گذاشتین رو سرتون. یالا بدوین سوار شین باید برگردیم مدرسه. بدوین.

بچه‌ها تموم مسیر رو به شوخی و خنده و شلوغ‌کاری گذروندن؛ اما من حواسم توی خونهٔ تاریخی و پیش حرف‌های اون جوون جا مونده بود. چقدر دوست داشتم من هم مثل ایشون تا این حد اطلاعاتم کامل باشه و بتونم از اعتقاداتم با استناد به قرآن دفاع کنم. نمی‌دونم توریست بی‌خدا اثری گرفت یا توی اعتقاداتش تغییری حاصل شد یا نه؛ اما استدلال‌های علمی و قرآنی جوون کرمانی، من و بچه‌های دیگه رو توی باورها مون محکم‌تر کرد.

[ساعت ۱۴] مدرسه تعطیل شد و راه افتادم سمت خونه. توی مسیر هم مدام و به هر بهانه‌ای یاد حرف‌های جوون کرمانی می‌افتادم. خیلی دوست داشتم زودتر برسم و چیزهایی که دیده بودم رو برای بابام تعریف کنم. [خونه] بابام داشت کتاب می‌خوند. به محض ورود، با عجله کفش هام رو درآوردم و گذاشتم توی جاکفشی، کیفم رو گذاشتم به گوشه، دویدم سمتشون و روبه‌روشون نشستم.

- سلام بابا.

- سلام به روی ماهت. خسته نباشی باباجون!

- بابا! بگو امروز چی شد توی اردو.

بابا کتابش رو بست و با لبخند گفت: «خیر باشه.»

– رفته بودیم خونهٔ یزدانی. یه توریست اومده بود و می‌گفت من خدا و قرآن رو قبول ندارم. یه جوون کرمانی هم نشسته بود باهاش بحث می‌کرد. بچه‌های مدرسه هم دورش حلقه زده بودن. نمی‌دونی جوونه چطور رگباری با دلایل علمی بهش ثابت کرد که قرآن معجزه‌ست. باید چهرهٔ توریست رو می‌دیدى بابا، اصلاً زبونش بند اومده بود طفلکی، هیچی نداشت بگه.

بابام گفت: «حتماً جوونه دانش قرآنی‌ش زیاد بوده، آفرین بهش.»

– آره! خیلی مسلط بود. فقط حیف شد آخرهای بحثشون رسیدم. بچه‌ها می‌گفتن جوونه بیش از ده تا معجزهٔ علمی قرآن مثل اشاره به جاذبهٔ زمین، کروی بودن زمین، ستارگان ثوابت^۱ و... رو برای توریست گفته.

بابا عینکش رو از روی چشماش برداشت و گفت:

– قرآن کتاب کاملیه بابا! نه فقط برای مسائل علمی، برای مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هرچی که بشر فکرش رو بکنه، برنامه داره. اون قدر هم برنامه‌هاش کامله که به مؤمنین توصیه می‌کنه: «فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا»؛ یعنی از کافرین تبعیت نکن و با قرآن به جنگ اونا برو.^۲ کفار هم که می‌دونى، توی همهٔ زمینه‌ها به جنگ ما اومدن؛ پس وقتی خدا می‌گه با قرآن به جنگ کفار برین؛ یعنی برای مبارزه با کفار توی همهٔ زمینه‌ها محتوای کامل و برنامهٔ دقیق داره.^۳

بابا مکتی کرد و گفت: «اگه هم می‌بینی مسلمون‌ها گاهی دچار مشکل می‌شن یا از شیطون و شیطون‌صفت‌ها ضربه می‌خورن، به خاطر اینه که به

۱. دانشمندان می‌گفتند ستارگان ثوابت فقط در آسمان بالا هستند؛ اما قرآن برخلاف حرف آن‌ها در سورة صافات، آیهٔ ۶ فرموده: «(ما آسمان نزدیک [=پایین] را با ستارگان آراستیم [ترجمهٔ آیت‌الله مکارم شیرازی] و بعدها ثابت شد که حرف دانشمندان غلط بوده و قرآن درست گفته است.

۲. بازنویسی ترجمهٔ آیت‌الله مکارم شیرازی که فرمودند: «بنابراین از کافران اطاعت مکن و به وسیلهٔ آن [=قرآن] با آنان جهاد بزرگی بنما!)).

۳. قرائتی، تفسیر نور: «قرآن بهترین ابزار جهاد علمی و فرهنگی و نیرومندترین وسیلهٔ بحث و محاجّه با دشمنان اسلام است»، «جَاهِدْهُمْ بِهِ».

توصیه‌های قرآن عمل نمی‌کنن.)» به قول امام خامنه‌ای: «ضعف ما امت مسلمون، عقب‌ماندگی ما، کج‌رفتاری‌های ما، کج‌تابی‌های ما توی مسائل اخلاقی و زندگی، همه‌شون به خاطر دوری از قرآنه.»^۱

بعد هم نگاهی کرد به تابلوی عکس رفقای شهیدش و گفت:

«برعکس خیلی از ماها که قدر گنجینه‌ای به نام قرآن رو نمی‌دونیم، شهدا خیلی خوب فهمیده بودن که حلال همهٔ مشکلات و منشأ تموم اتفاق‌های خوب زندگی‌شون قرآنه؛ برای همین حتی در میدون مبارزه هم دست‌به‌دامن این معجزهٔ الهی می‌شدن و خیلی باهاش انس داشتن. یادمه اکثرشون یه قرآن جیبی کوچیک داشتن و هر جا فرصت پیدا می‌شد، تلاوتش می‌کردن.»

بابا آهی کشید و ادامه داد: «یه رفیق داشتم توی جبهه به نام شهید علی ماهانی، خیلی قرآن رو دوست داشت.» مادرش می‌گه: «علی‌آقا از نوجوونی، با بچه‌های هم‌سن‌وسال خودش فرق می‌کرد.» می‌گه ما نفهمیدیم کی رفت قرآن یاد گرفت، فقط یه روز دیدم چند نفر از بچه‌های محله رو جمع کرده و آورده خونه. ازش پرسیدم: «علی‌آقا! با این بچه‌ها چی کار داری؟» گفت: «می‌خوام بهشون قرآن یاد بدم.» مادرش می‌گه علی‌آقا از همون بچگی، از اینکه می‌دید بچه‌ها بیهوده میان توی کوچه، اندوهگین می‌شد. یه عده هم از اینکه می‌دیدن علی‌آقا بچه‌ها رو به نماز و روزه دعوت می‌کنه، ناراحت بودن و سعی می‌کردن با مسخره کردن منصرفش کنن؛ اما به هدفشون نرسیدن.^۲

یکی از رزمنده‌ها تعریف می‌کرد: «توی جبهه چشم‌هام مشکل پیدا کرده بود. از اونجایی هم که با قرآن انس داشتیم، اگه یه روز صدای تلاوت قرآن رو نمی‌شنیدم، عذاب می‌کشیدم. از طرفی به خاطر جراحت چشمم نمی‌تونستم کلمات قرآن رو ببینم؛ برای همین علی‌آقا چند آیه‌ای می‌خوند و من گوش می‌کردم.» می‌گه یه روز علی‌آقا بهم گفت: «جواد! اگه کلمات بزرگ باشن، مثلاً با ماژیک درشت نوشته بشه، می‌تونی ببینی؟» گفتم: «بله!» لبخندی زد و گفت: «خیلی خوب شد! اگه از

1. <https://khl.ink/f/23380>.

۲. خبرگزاری دفاع مقدس «بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس»، به نقل از مادر شهید: <https://ttr.ir.3cp969>.

این عملیات زنده برگشتم، یه قرآن با خط درشت برات می نویسم.»^۱

– واقعاً براش نوشت بابا؟

– نه پسر! علی آقا شهید شد و از عملیات زنده برگشت.

بابا مثل همیشه با گفتن خاطره رفقای شهیدش ناخودآگاه اشکش جاری شد؛ اما انگار دوست داشت بیشتر از رفیق قرآنی‌ش، شهید علی ماهانی برام بگه:

– شب عملیات والفجر ۳، موقع عبور از میدون مین، پای علی آقا رفت روی مین و از مچ قطع شد. امدادگرها می گفتن: «نذاشت منتقلش کنیم عقب.»

– واقعاً؟ برای چی نمی داشت؟

– می گفت: بچه‌هایی که حالشون بده رو ببرین عقب. امدادگرها می گن به زور تا آخر میدون مین آوردیمش. وقتی گذاشتیمش زمین، با آرامش عجیبی قرآنش رو از جیبش درآورد و شروع به تلاوت کرد.^۲

آره باباجون! امثال شهید ماهانی طبق توصیه خدای متعال توی قرآن که فرموده: ﴿وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾، هم برای مبارزه با دشمن از قرآن انرژی و کمک می گرفتن و هم توی شرایط سخت مبارزه، دلشون رو گره می زدن به این کتاب آسمونی و به آرامش می رسیدن.

بعد از شنیدنِ خاطراتِ دلنشینِ اُنس شهید علی ماهانی با قرآن، خیلی غصه‌م شد که توی زندگی‌م به این بهترین پناه، کم پناه بردم. نمی دونم چرا همون لحظه به دلم افتاد با خدا عهد ببندم که روزی حداقل یه صفحه قرآن بخونم. برای همین رفتم وضو گرفتم، قرآن رو برداشتم و یه گوشه نشستم به تلاوت کردن: اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ.

۱. مشرق نیوز به نقل از حاج جواد روح‌اللهی، هم‌رزم شهید.

۲. رندان جرعه‌نوش، خاطرات حمید شفیعی، نویسنده و راوی: حمید شفیعی، ناشر: سماء قلم، چ ۱، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰.